

پس لوزه

هاروکی موراگامی

www.ketab.ir

ترجمه‌ی

سما قرایی

این کتاب ترجمه‌ای است از:

After the Quake

Haruki Murakami

مورا کامی، هاروکی، ۱۹۴۹ - م	سرشناسه:
Haruki, Murakami	
عنوان / نام بلندآور: پس لرزه / هاروکی مورا کامی «ترجمه‌ی سما قرایی	
مشخصات ناشر: تهران، نشر قطره، ۱۳۹۰.	
مشخصات ظاهری: ۱۴۴ ص.	
فروست: سلسله انتشارات: ۱۲۸۸. رمان (داستان خارجی):	
۸۸	
978-600-119-341-5	شابک:
وضعیت فهرست‌نویسی: فیا	
یادداشت: کتاب حاضر از متن ترجمه‌ی انگلیسی تحت عنوان «after the quake: stories» به فارسی برگردانده شده است.	
یادداشت: کتاب حاضر تحت عنوان «بعد زلزله» (مجموعه‌ی شش داستان) توسط نشر چشمه در سال ۱۳۸۷ منتشر شده است.	
عنوان دیگر: بعد زلزله (مجموعه‌ی شش داستان)	
موضوع: داستان‌های کوتاه ژاپنی - قرن ۲۰ م	
شناسه‌ی افزوده: قرائی، ساء، ۱۳۶۱ - مترجم	
رده‌بندی کنگره: ۷۱۳۹۰ پ ۴ و / ۸۱۲ PL	
رده‌بندی دیویی: ۸۹۵ / ۶۳۵	
شماره‌ی کتابشناسی ملی: ۱۸۹۶۳۰	

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۱۱۹-۳۴۱-۵ ISBN: 978-600-119-341-5



نشر قطره

پس لرزه

هاروکی موراکامی

ترجمه‌ی سما قرایی

چاپ اول: ۱۳۹۰

لیتوگرافی: طاووس رایانه

چاپ: صبا

تیراژ: ۸۸۰ نسخه

بها: ۳۵۰۰ تومان

تمام حقوق برای ناشر محفوظ است
تکثیر تمام یا بخشی از این کتاب به هر شکلی
(به صورت صوتی، تصویری، الکترونیکی و...) ممنوع است.
منوط به اجازه‌ی کتبی ناشر است.

خیابان فاطمی، خیابان ششم، پلاک ۲

دورنگار: ۸۹۶۸۹۹۶

۸۸۹۵۶۵۳۷ و ۸۸۹۵۲۸۳۵ و ۳ - ۸۸۹۷۳۳۵۱

صندوق پستی: ۱۴۱۵۵ - ۵۱۶۵

سایت رسمی فروش اینترنتی (قطره‌شاپ)

www.GhatrehShop.com

www.nashreghatreh.com

nashreghatreh@yahoo.com

Printed in The Islamic Republic of Iran

ترجمه‌ی این کتاب را هدیه می‌کنم به فروش و سینا قرایی، تنها با
آن‌هاست که می‌شود زندگی را سکنه داد و در فاصله‌ی یک ایستادن
و دوباره به تپش افتادنش به ناله‌ی باد گوش سپرد.
باد: از جایی که ما نمی‌شناسیم می‌وزد، از ما عبور می‌کند و به جای
دیگری که برایمان ناشناخته است می‌رود.

www.ketabonline.ir

فهرست

۹	معرفی نویسنده
۱۳	مقدمه‌ی مترجم
۲۱	یوفو در کوشیرو
۴۷	چشم‌اندازی با اتوی ذغالی
۷۳	ابرقریباغه توکیو را نجات می‌دهد
۱۰۳	شیرینی غسل

معرفی نویسنده

هاروکی موراکامی از نویسندگان محبوب و در عین حال بحث‌برانگیز ژاپن است که نه تنها در کشور خود، بلکه در دنیای انگلیسی‌زبان و به لطف ترجمه‌های رو به افزایش فارسی در کشور ما نیز در میان خوانندگان علاقه‌مند به ادبیات داستانی برای خود جا باز کرده است. داستان زندگی با ادبیات رنگ‌گرفته‌ی او، علاقه‌ی وافرش به تولستوی و داستایوفسکی و کارور، عشقش به موسیقی جاز و تصمیم به ظاهر ناگهانی‌اش برای نویسندگی بر هیچ‌کدام از علاقه‌مندان داستان‌های او و آشنایان به ادبیات پوشیده نیست و صفحات نخست هر کدام از ترجمه‌های او را که باز کنید و سراغ هر منبع پیشرفته و سستی که بروید به همه‌ی این نکات با تفصیل و رنگ و لعابی بیش‌تر برمی‌خورید.

نتیجه این‌که معرفی این نویسنده جز تکرار مکرراتی که خوانده‌اید و شنیده‌اید نیست و نمی‌تواند باشد، اما ارجاع خوانندگان مشتاق به مرور دانسته‌های پیشین و یا خوانندگان جدید و ناآشنا به

کارهای این نویسنده به کتاب‌های پیشین و منابع دیگر دور از سنت ترجمه است.

این شرح مختصر تنها من باب خالی نبودن عریضه‌ی نویسنده‌ای است که امیدوارم تبّ علاقه‌مندی به کارهایش نه به دلیل ویژگی‌های خاص داشته و نداشته‌اش، بلکه به این دلیل که دست‌کم بخش قابل‌اعتنایی در ادبیات مدرن است، زود به عرق ننشیند.

هاروکی موراکامی در سال ۱۹۴۹ در کیوتو، ژاپن متولد شد. با همسرش، یوکو، در دانشگاه آشنا شد و با هم کلوب جاز را در توکیو افتتاح کردند که پترکت^۱ نام داشت. موفقیت بزرگ رمانش، جنگل نروژی (۱۹۸۷) او را در سطح جهان مشهور ساخت. او ژاپن را ترک کرد و تا سال ۱۹۹۵ به آنجا بازنگشت. کتاب‌های دیگر او از این قرار است: رقص رقص رقص، سرزمین عجایب و پایان دنیا، تعقیب گوسفند وحشی، گاه‌شمار پرده‌ی کوکی، زیرزمین، و نخستین کتاب غیرداستانی‌اش عزیزم اسپرتنیک، و جنوب مرز، غرب خورشید.

او خود مترجم است و کارهای اف. اسکات فیتزجرالد^۲، ترومن کاپوتی^۳، جان ایروینگ^۴، و ریموند کارور^۵ را به ژاپنی برگردانده است.

مجموعه داستان پس‌لرزه پس از زمین‌لرزه‌ی کوبه نوشته شد. این زمین‌لرزه بهانه‌ای شد تا موراکامی، که در آن زمان در خارج و

1. Peter Cai

2. F. Scott Fitzgerald

3. Truman

4. John Irving

5. Raymond Carver

مشغول نوشتن کتاب گگاهشمار پرنده‌ی کوکی بود به ژاپن بازگردد. پس‌لرزه‌های شوک این زمین‌لرزه در زندگی او در این کتاب بازتاب یافته و به پس‌لرزه‌ی این فاجعه در زندگی شخصیت‌هایش و یا آمیختن با آن‌ها منجر شده است.

نام اصلی کتاب پس از زمین‌لرزه بود و چون هم به وقایع پس از زمین‌لرزه‌ی کوبه می‌پردازد و هم آثار و حواشی این زمین‌لرزه را چون پس‌لرزه‌هایی در زندگی افراد مختلف دنبال می‌کند نام پس‌لرزه را برای آن برگزیدم که هر دو معنی را با هم می‌رساند.

www.ketaboo.ir

مقدمه‌ی مترجم

نقش‌مایه‌های ازلی ابدی تنهایی، عشق و مرگ و پرداختِ مدرن، طنزآمیز و سوررئال آن‌ها در دنیای مدرن همواره جذاب و وصفِ حال انسانِ امروزی مبتلا به این دردها اما ناتوان از توصیفشان بوده است. موراکامی نیز با دست گذاشتن بر این پوچی‌ها، ضربات و آسیب‌ها، و کابوس‌های پایان‌ناپذیر از وسعت و قدرت نیروها و گستره‌هایی که از فهم آن عاجزیم، مخاطبان بسیاری وسوسه کرده و در «تعقیب این گوسفند وحشی» ادبیات ژاپن انداخته است.

طبیعی است که من نیز پس از دنبال کردن مضامین فوق در آثار غربی به فکر سر درآوردن از نوع نگاه نویسندگان شرقی به این مقوله‌ها افتادم و کنجکاو شدم چهره‌ی دیگری از آدم‌هایی که بیش‌تر آدم ماشینی دیده می‌شوند و بیش‌ترین چیزی که از آن‌ها می‌دانیم پیشرفت صنعت و فن‌آوری‌شان است بدانم و دغدغه‌های دیگری پشتِ نقاب‌های یکسانشان ببینم.

اعتراف می‌کنم که خواندن مجموعه کارهای موراکامی همان

حسی را که در جست و جویش بودم به وجود آورد، هر چند که آدم‌های او جز نام خود و نام شهری که در آن زندگی می‌کنند یا از آن می‌آیند، از ژاپن هیچ ندارند. نوشته‌های او معمولاً هیچ رنگ و بوی فرهنگی خاصی ندارد و هیچ نقطه‌ای در آن‌ها نیست که به یک ویژگی ژاپنی گره خورده باشد؛ صرف‌نظر از نام‌ها، داستان هر کس می‌تواند باشد و در هر کجا اتفاق بیفتد.

این داستان‌ها پس از یکی دو کتاب الگوی غالب خود را فاش می‌کند و تقریباً از داستان یا کتاب چندم به بعد می‌توانی حدس بزنی که در داستان‌های آینده با چه شخصیت‌هایی، چه نوع زندگی‌هایی، پوچی‌ها و کابوس‌هایی روبه‌رو خواهی شد. با این وجود، زیاد پیش می‌آید که چند صفحه‌ی نخست داستان او را محض کنجکاوی ورق بزنی و خیلی زود سر از انتهای داستان درآوری.

اما نوشتن درباره‌ی ترجمه‌ی این مجموعه داستان و نوع و ویژگی‌های آن به مراتب سهل‌تر است.

شاید در نظر نخست بی‌معنی به‌نظر برسد که متنی را ابتدا از زبان الف به زبان ب ترجمه کنند و سپس از زبان ب به زبان ج برگردانند. داستان قدیمی نیش خوانندگان و منتقدان به مترجمان درباره‌ی از دست رفتن شکل و گاه معنا در «هر ترجمه‌ای» (که طبعاً به‌طور طبیعی منظور ترجمه از زبان الف به ب است) کم بود، در این موارد خاص مشکل دو چندان می‌شود. اما نه فقط مترجمان، بلکه مخاطبان و منتقدان هم گاه چاره‌ای جز این ندارند که این ترجمه‌های به اصطلاح برخی «دست دوم» را تحت شرایطی

بپذیرند. از جمله آن شرایط یکی این است که مترجم قابلی برای زبان «الف» پیدا نمی‌شود و یا اگر پیدا می‌شود در حوزه‌ی ادبیات فعال نیست تا متن زبان «الف» را مستقیماً به زبان «ج» برگرداند.

گاهی هم پیش می‌آید که شرایط مذکور نه حاصل دوری فرهنگ‌ها و نبود مترجم، بلکه برآمده از خواست ناشر باشد. بر سر این موضوع به توافق رسیده‌ایم که در ترجمه ویژگی‌های زیادی از متن از دست می‌رود، اما اگر نه فقط به دیده‌ی انکار که به چشم ارادت نظر کنیم، می‌پذیریم که متن طی فرایند ترجمه ویژگی‌هایی (که باز هم به توافق می‌رسیم که لزوماً مثبت و یا حتی منفی نیست) هم به دست می‌آورد. این ویژگی‌ها همان چیزی است که برخی ناشران به دنبال آن هستند. ناشر حس می‌کند که متن در شکل اصلی و با رنگ و بوی فرهنگی و ایدئولوژیک غلیظش برای خواننده‌ی زبان «ج» چندان افاده‌ی معنی نمی‌کند و گذشتن آن از صافی یک زبان و فرهنگ آشناتر و باز شدن رشته‌های در هم تنیده‌ی فرهنگی متن را فهم‌پذیرتر، جذاب‌تر و پرمخاطب‌تر می‌سازد.

ترجمه‌ی غیرمستقیم در گذشته و دوری فرهنگ‌ها و راه‌ها معمول‌تر بود و در محدوده‌ی علوم و ادبیات خودمان بسیاری از متون ابتدا از یونانی به عربی و سپس به فارسی ترجمه شد که اصطلاحات مبهمی چون بوطیقا (به جای ترجمه‌ی درست‌تری مانند «شعرشناسی» یا «صنعت‌شناسی») حاصل همین وام‌گیری از متن دست دوم و تولید ترجمه‌ای دست دوم است.

اما در همین دهکده‌ی جهانی امروز هم باید حق دهیم که

مترجم مبرز زبان چینی، پرتغالی، یا ژاپنی در حوزه‌ی ادبیات بسیاری از زبان‌ها کم است و برای معرفی آثاری که به این زبان‌ها نوشته می‌شوند راهی جز توسل به متن واسطه نمی‌ماند.

زبان واسطه در ترجمه‌های صد سال گذشته‌ی ایران بیشتر فرانسه و زبان واسطه امروز انگلیسی است که به زبانی میانجی در دنیا تبدیل شده است. ترجمه‌ی فارسی کتاب‌های هاروکی موراکامی نیز از روی ترجمه‌ی واسطه آن‌ها یعنی انگلیسی صورت می‌گیرد. مترجمان برجسته‌ی کارهای موراکامی به انگلیسی که کارهای او را از اصل ژاپنی به انگلیسی برگردانده‌اند آلفرد برنباوم، فیلیپ گابریل و جی روبین هستند.

جی روبین (متولد ۱۹۶۱) استاد دانشگاه هاروارد و مترجم بیشتر کارهای موراکامی به انگلیسی است. او دکترای ادبیات ژاپنی را از دانشگاه شیکاگو گرفته و یک تحلیل ادبی زندگینامه‌ای بر کارهای موراکامی نیز نوشته است.

ترجمه‌ی پیش‌رو در اصل ترجمه‌ای است از ترجمه‌ی جی روبین به انگلیسی و دلیل روی آوردن به آن نه پنداشت خاصی از جانب ناشر یا مترجم، که همان عدم دسترسی به مترجم قابل‌ی در حوزه‌ی ادبیات ژاپن بود. ترجمه‌ی روبین ترجمه‌ای بسیار روان و خوش‌خوان است. در فهم و تندخوانی داستان‌ها هیچ مانعی پیش‌روی خواننده نیست. نه خود موراکامی از مفاهیم فرهنگی یا سستی خاص و بومی استفاده کرده که درک آن برای مترجم دشوار باشد و نیازی به پانویس دادن و یا ساده‌سازی پیدا شود (روبین در یکی از مصاحبه‌های خود گفته که اگر هم اشاره‌ای فرهنگی در

کارهای موراکامی ببینیم بیش‌تر اشاره به فرهنگ و موسیقی غرب است تا فرهنگ ژاپن) و نه روبین به دشوارنویسی و ادبی‌نویسی به مفهوم سنتی آن روی آورده که البته طبق گفته‌ی او متن اصلی نیز چنین چیزی را نمی‌طلبیده است. دشواری‌آفرین‌ترین نکات متن در ترجمه‌ی ادبی نیز ارجاعات بومی، فرهنگی و ایدئولوژیک و هم‌چنین پیچیدگی‌های سبکی است، که بنا به گفته‌ی روبین متن داستان‌های موراکامی اگر عاری از آن‌ها نباشد، به موارد پراکنده‌ای از آن‌ها بسنده کرده است.

دکتر ابوالحسن نجفی معتقدند که ترجمه هر قدر هم که به متن اصلی نزدیک باشد باز اندکی از آن دور می‌افتد و میزان این فاصله در ترجمه از زبان واسط بیشتر است. اگر معیار خوش ترجمه بودن متن موراکامی را قول‌روبین بگیریم و معیار خوش ترجمه بودن ترجمه‌ی روبین را قول نگارنده، نتیجه این می‌شود که فاصله‌ی زیادی با متن موراکامی نداریم و می‌توان تا حدی اطمینان داشت که روح اثر او (اگر اصلاً به مفهوم مبهمی به نام «روح اثر» اعتقاد داشته باشیم) در ترجمه‌ی حاضر حفظ شده است.

گاه ترجمه از زبان واسط و عدم اطمینان از نزدیکی کامل ترجمه‌ی غیرمستقیم به متن اصلی بهانه‌ای شده تا خود مترجم به سراغ زبان اصلی (یا همان زبان الف در مثال ما) رود و پس از تسلط به آن متن را دوباره، اما این بار به شکل مستقیم ترجمه کند (نمونه‌ای نادر که البته مثال روشن و حی و حاضرش استاد سروش حبیبی و ترجمه‌ی دوباره‌ی برخی آثار روسی است). گاه نیز این ترجمه‌ها تلنگری بوده برای مترجمان آن زبان نخست تا همت کنند

و همان متن یا نوشته‌های دیگر نویسنده را به شکل مستقیم و از متن «الف» به متن «ج» برگردانند. در این‌که مورد نخست تکرار شود البته تردید دارم، اما به امکان حدوث نمونه‌ی دوم می‌توان امید بست.

س. ق.

آبان ۱۳۸۸

www.ketab.ir